گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۸۱۳۸
چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ ۷:۱۳

یادداشتی از وحید حاج سعیدی؛

تحقق «رویاهای کودکانه» با طعم مهاجرت!

دنیا و رویاهای کودکان مهاجر با آرزوها و دنیای سایر بچه های این کره خاکی متفاوت است؛ آن هم زمانی که جنگ و خونریزی و بمب گذاری آنها را مجبور به ترک خانه و کاشانه می کند. روزی که همهٔ سرنوشت و رویاهایشان در یک کیف دستی یا کوله پشتی خلاصه می شود؛ دوستان، خاطرات گذشته و تمام دیروز را فراموش می کنند و فردا را باید در سرزمینی غریب جستجو کنند.

به گزارش خبر، وحید حاج سعیدی، فعال رسانه در یادداشتی با موضوع "تحقق «رویاهای کودکانه» با طعم مهاجرت!" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

شب از نیمه گذشته است ولی از ذوق خوابش نمی برد. لباس تکواندو را از تن خارج نکرده و با همان لباس در رختخواب دراز کشیده و به رویاهایش فکر می کند. دستش را زیر سرش گذاشته و از زیر پشه بند به ستاره هایی که مسیر فرداها را نشان می دهند، خیره شده است. یاد آن روز شوم و بمب گذاری در مدرسه می افتد. یاد همکلاسی ها و هم مدرسه ای هایی که الان در آسمان کنار همان ستاره ها هستند! از پدر قول گرفته اگر هزینه وسایل و ثبت نام باشگاه را خودش فراهم کند، او را در باشگاه تکواندو ثبت نام کند!

دنیا و رویاهای کودکان مهاجر با آرزوها و دنیای سایر بچه های این کره خاکی متفاوت است؛ آن هم زمانی که جنگ و خونریزی و بمب گذاری آنها را مجبور به ترک خانه و کاشانه می کند. روزی که همهٔ سرنوشت و رویاهایشان در یک کیف دستی یا کوله پشتی خلاصه می شود؛ دوستان، خاطرات گذشته و تمام دیروز را فراموش می کنند و فردا را باید در سرزمینی غریب جستجو کنند.

تصویر زخم ها و رنج های ناسور این روزهای افغانستان در پی خروج نیروهای آمریکایی و واشنگتن پس از ۲۰ سال اشغال، همراه است با بی جاشدگی، مهاجرت، نومیدی، گرسنگی و رنج پدران و مادرانی که جنگ و مهاجرت را در سرزمین شان پایانی نیست. هر چند مهاجرت از افغانستان تنها به این روزها ختم نمی شود و سالهاست مردم این دیار لفظ مهاجرت را با آه و نفرین مسببانش هجی می کنند. در چنین اوضاعی برخی از بیم نان و جان، کودکانشان را می فروشند و دخترکان و پسرکان بیگناه و معصوم، در ازای مبلغی ناچیز که شاید بتواند به زنده ماندن دیگر اعضای خانواده کمک کند، قربانی سرنوشتی می شوند که بیگانگان غربی-آمریکایی برایشان ترسیم کرده اند. عده ای نیز زندگی در جهنم جدید را بر نمی تابند و تسلیم روزگار شده و قصد مهاجرت می کنند. با این حال جنگ و خونریزی و مهاجرت مانع رویا پردازی کودکان نمی شود و به تعبیری رویاها و آرزوهای کودکانه تناسبی با زمان و مکان ندارند. اما در چنین شرایطی رویای ورزشکار شدن و کسب مدال و قهرمانی و ... بیشتر به یک شوخی مانند است چه رسد به اینکه کسی واقعاً بتواند به آنها فکر کند آن هم در مهاجرت!

هر چند میوه چینی و دستیابی به آرزوهای کودکانه در باغ مهاجرت چندان آسان نیست با این وجود هستند کودکان مهاجری که به آرزوهای سرزمین مادری خود در دیاری غریب دست یافته اند و با «تصمیمات مردانه» به «آرزوهای کودکانه» خود جامه عمل پوشاندند.

ورزش با طعم کار و تلاش

باسط یکی از این کودکان مهاجر است که امروز همراه خانواده خود در یکی از شهرهای خراسان سکنی گزیده است و به خودش قول داده پرچم کشورش را در آوردگاه های ورزشی بالا ببرد. او عاشق تکواندو است و با وجود اینکه هیچ مربی نداشته بسیاری از حرکات تکواندو را آموخته است. پدر کارگری می کند و او نیز همراه دوستش حنیف در اطراف خانه دستفروشی می کند و کمک خرج خانواده است. دست های زمخت و چهره آفتاب سوخته اش حاکی از آن است که با کار بیگانه نیست و در سرزمین مادری نیز برای معاش تلاش می کرده است.

باسط لباسهای تکواندو اش را بر تن کرده و دست های خواهرش را محکم گرفته است و همراه مادر استوار به سمت باشگاه ورزشی قدم بر می دارد. در راه حنیف می بیند و به او لبخند می زند. نزدیک باشگاه صدای مربی که در حال فرمان دادن به ورزشکاران است شنیده می شود. قلب باسط تند می زند. مربی باسط را می پذیرد و حتی را شهریه را نیز به شرط خواندن درس و کمک به خانواده، نیم بها محاسبه می کند.

قهرمانی با طعم مهاجرت

کیمیا یوسفی از دیگر ورزشکاران افغانستانی است که ورزش را از کودکی در ایران آغاز کرده است و به مراتب بالای ورزشی دست یافته است. جایگاهی که خودش معتقد شاید اگر در افغانستان بود، شاید بدان دست نمی یافت. پدر و مادرش قبل از ازدواجشان با توجه به شرایط سختی که در افغانستان داشتند، مجبور به مهاجرت شدند و به ایران آمدند. آنها در ایران ماندگار شدند و با هم ازدواج کردند. حاصل ازدواجشان چهار فرزند بود. یک دختر هستم و سه پسر. با توجه به شرایط حاکم بر افغانستان آنها هنوز در ایران ساکنند .

کیمیا در مشهد به دنیا آمده و دوومیدانی را در همین شهر شروع کرده است. یک خانم پیشکسوت که مهاجر هم بود برای دختران مهاجر در مشهد دوره استعدادیابی برگزار کرد و او نیز شرکت کرد و از همان جا به ورزش دو و میدانی علاقه مند شد.

او اکنون ۲۴ سال دارد و عاشق دو و میدانی و دوهای سرعت است. ماده تخصصی‌اش دوی ۱۰۰ متر است و عضو تیم ملی دو و میدانی افغانستان و رکورددار دوهای سرعت کشورشان است. در دو دوره المپیک شرکت کرده و در بازی‌های توکیو هم پرچمدار کشورش بوده است.

پرش‌های بلند فاطمه اسحاقی از روی حصار جنگ و تبعیض و فقر

فاطمه اسحاقی دیگر دختر ورزشکار افغانستانی است که در کنار ورزش با جنگ و فقر و تبعیض می جنگد. دیدن پدری که ۳۰ سال است به دلیل معلولیت ناشی از تصادف، در گوشه‌ای از خانه روی زمین درازکش است، به‌تنهایی می‌تواند انگیزه فاطمه را برای پرش های بلندتر افزایش دهد تا اندکی از اندوه پدر بکاهد و لحظاتی لبخند رضایت بر لبانش بنشاند. در حقیقت تصویر تکراری پدر روی تخت، در کنار ۱۰ ساعت کار از ۶ سالگی مانع پرش‌های بلند فاطمه اسحاقی ۱۵ ساله برای کسب مدال در رشته دوومیدانی نشده است.

فاطمه یکی از مهاجران جنگ پایان‌ناپذیر داخلی افغانستان به ایران است. فاطمه در دومین دوره لیگ دوومیدانی پرشین ویژه دختران که با حضور ۱۸۰ بازیکن دختر در ورزشگاه شهید کشوری برگزار شد در دوی ۶۰ متر رده سنی اول مدال برنز را کسب کرده بود.

در مسابقات انتخابی دوومیدانی دختران سراسر کشور هم حضور داشته و اخیراً هم به عنوان یکی از دختران صاحب رکورد در مسابقات انتخابی دختران در تهران انتخاب شد. او می گوید هنگام مسابقه به‌سختی هایی که کشیده‌ام فکر می‌کنم. تلاش می‌کنم که رمق در پاهایم باقی بماند تا بتوانم بلند و بهتر بپرم و رکورد بزنم.

ووشوی مشترک مهاجران با ورزشکاران ایرانی

دست اندرکاران مسابقات جهانی ساعت شان را با جنگ های داخلی افغانستان کوک نمی کنند و مهاجران افغانستانی نیز جنگ و خونریزی و مهاجرت را مانعی برای ورزش نمی بینند. در چنین شرایطی آنها برای کسب آمادگی با ورزشکاران ایرانی تمرین می کنند و برگزاری مسابقات شناسایی استعدادهای جدید و تقویت تیم‌های منتخب مهاجرین برای حضور در رقابت‌های بیرون مرزی و داخل ایران مسیری هموار برای شرکت در رقابت های جهانی است.

کمیته ووشو پناهندگان در ایران از زمان ایجاد در سال ۱۳۹۴ زیر مجموعه فدراسیون ووشو جمهوری اسلامی ایران توانسته ۱۳۵۰ ووشوکار مهاجر را ثبت فدراسیون ووشو ایران نماید، که از میان این تعداد، ۱۱ مربی و داور خانم و ۳۳ مربی و داور آقا تحویل جامعه مهاجرین داده شده است.

به گفته مسئول کمیته ووشو پناهندگان در ایران، در حال حاضر بین ۳۵۰۰ الی ۴۵۰۰ ووشوکار مهاجر در سراسر ایران مشغول فعالیت‌های ورزشی هستند که دو سوم آنها را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند.

جامعه ورزشی ۳۰۰ هزار نفری افغانستانی ها

ورزشکاران افغانستانی که در ایران و در کنار ورزشکاران ایرانی تمرین کردند و به مسابقات جهانی و المپیک راه پیدا کردند کم نیستند.

هدایت روح الله نیکپا قهرمان مدال آور المپیکی افغانستان در رشته تکواندو با عنوان این مطلب می گوید: طبق اعلام مرکز آمار ایران حدود ۳ میلیون نفر مهاجر افغانی در ایران زندگی می کنند. هدایت از جمعیت ۳۰۰ هزار نفری جامعه ورزشکاران افغان خبر می دهد و می گوید:« ما در رشته های بسیاری ورزشکار داریم. برای هر رشته هم کمیته ای تشکیل داده ایم و یکی از مربیان با سابقه آن رشته از طریق انتخابات مسئول آن رشته شده است». افغان ها به رشته های رزمی علاقه فراوانی دارند. رئیس شورای عالی ورزش مهاجرین افغانستانی مقیم ایران افزود: شورای ورزشی ۵۸ رشته را که افغان ها در آن فعال هستند و ورزشکاران نخبه پرورش داده اند را شناسایی و ثبت کرده است.

همایون رضایی یکی از مربیان تکواندو نیز معتقد است: با توجه به این که ایران قطب تکواندو جهان است و مرکز جهانی تکواندو نیز در ایران مستقر است، من فکر می کنم مهاجران افغان که در ایران بزرگ شده اند اگر به مقامی هم برسند، هم برای ما و هم برای ایران یک افتخار است.

ثبت نام در باشگاه ورزشی آسانتر از ثبت نام در مدرسه

احمدی یکی از مربیان باشگاه های ورزشی حاشیه شهر مشهد می گوید: این روزها که به دلیل برخی ناهماهنگی ها ثبت نام کودکان افغانستانی در مدارس ایرانی به ویژه آنهایی که به تازگی وارد ایران شده اند، با مشکلاتی مواجه شده است، اما ثبت نام کودکان مهاجر در باشگاه ها و کلاس های ورزشی به راحتی انجام می شود. آنها با انگیزه در کنار ایرانی ها ورزش می کنند و علاوه بر کار و درس، ورزش را هم با جدیت دنبال می کنند و تعدادی از آنها همه ساله در مسابقات مختلف به مقام های متعددی نائل می آیند.

مهاجرت مانعی برای ورزش نیست

جنگ چندین ساله در افغانستان، باعث شده است که شمار زیادی از شهروندان این کشور برای زنده ماندن، به کشورهای دیگر، به ویژه ایران مهاجرت کنند. بی تردید مهاجرت محدودیت هایی را به ویژه برای کودکان و نوجوان به همراه دارد و شاید این محدودیت ها در اموری غیر ضروری بیشتر به چشم بیایند. ولی امروز شاهد هستیم کودکان مهاجری زیادی در عرصه های ورزشی مشغول به فعالیت هستند. وجود چند صد هزار ورزشکار مهاجر در کشور که برخی از آنها به مدارج بالای جهانی دست یافته حجت گفتار فوق است. امروز «باسط» ها و «کیمیا»ها و «فاطمه» ها رویاهای گمشده شان را در ورزشگاه ها و در کنار کودکان ایرانی می جویند تا در سرزمینی که چندان از سرزمین مادری شان دور نیست، آنها را بیابند و جامه عمل بپوشانند.